

# آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

سال یکم شماره ۴۰ سه شنبه سیام دیماه ۱۳۵۹ بهار ۱۵ ریال

**انحصارگری و اخلاص گری دوروی یکسکه!!**  
دگرگون کردن نظام آموزش عالی باید  
به دانشگاهیان انقلابی واگذار گردد

در صفحه چهارم

## هشدار، هشدار، هشدار مردم را به گدائی نکشانید

**در ماندگی، پی آمد ناگزیر  
بیکاری و گرانی است**

فرآورده های کشاورزی و دامی که امسال از خارج خریداری و به کشور وارد کرده اند نه گونه های روشن و سی هیج انبساطی، از پریشانی وضع تولید در این بخش از اقتصاد ملی حکایت می کند. دولت به درستی و روشی میران گندم خریداری و وارد شده به کشور را اعلام نکرده است ولی محسوس است که در بهران برگزار شد اعلام داشت که تا بود در صد مصرف یک فرآورده عدائی ر حرج و برد می شود و سطر میرسد پس فرآورده، می باید گندم باشد. عقیه در صفحه پنجم

## بسیاری از مدرسه های کشور تعطیل است مردم در نگرانی آینده فرزندان خویش

سال تحصیلی از نیمه گذشته است ولی رنگهای مدرسه ها در بسیاری از شهرها و روستاهای کشور هنوز نصد در بیامده اند و روشن می باشد که این وضع ریانار ناکی ادامه خواهد یافت. نامهای تلخ و دردناک رسوی نماینده مردم سرخورد در چهارشنبه هفدهم دیماه در روزنامه «اعلام اسلامی» به چاپ رسیده و در بخشی از آن آمده است که آموزشگاههای بروگرد همچنان تعطیل است و این امر بصورت گره کوری در آمده که همگی از نار کردن آن عاجز و نابوان مانده اند. یکسار تعمیرات مدارس، زمانی نصفیه کادر آموزشی و امروزه اشغال آموزشگاهها بهانه شده است برای آنان که نمایی به سارگشائی مدارس ندارند و گرنه قسر از در دیدن مسار فکر چاله میکردند!

در رژیم گذشته از تعطیلات گاه و بیگاه و طولانی مدارس ریح میگردید و نر عامل عمافادگی فرهنگ ر میگردید، عافل از این که نه برک وجود مسؤلان مال اندیش در این دوره سارندگی، علاوه بر

## بر قوه قضائیه کشور چه گذشته است!

**حقیقت های نهفته در میان  
سندها و گزارشها و  
مصاحبه ها**  
در صفحه سوم

## انقلاب السالوادور در آستانه چیرگی برامپریالیسم آمریکا هر جا ملتها بپاخاسته اند، پیروز شده اند

دست امپریالیسم آمریکا در آن هنگام، انقلاب حوبین بیکار آگونه نه پیروزی رسیده بود و دیگر ملتهای آمریکای لاتین می رفتند که با حشش صد امپریالیستی حوبش راه پیموده شده مردم بیکار آگونه را طسی عقیه در صفحه ششم

سحرگاه ششم آبان ۱۳۵۸، نیروهای ارتش السالوادور با یک کودتای بدون حوبریری حکومت ژنرال «سومر نورومرو» را سرنگون کردند گروهی سرگرد و سروان جوان ارتش، پس از دست یافتی نه قدرت، ژنرال رومرو را با احرام نه خارج از کشور فرسارند!

آنگاه این گروه کودتاگر از میان افسران ارتش السالوادور دو سرهنگ حوشام را انتخاب کردند و این دو سرهنگ بیر با سرگردین سه غیر نظامی، حکومت جدیدی تشکیل دادند. حکومتی که ن وعده های بسیاری از جمله اصلاحات ارضی، احباب عمومی، کاهش قیمتها و... براریکه قدرت بنسب ودر حقیقت تنها ساریجهای بود در

## دور تازه نبرد با امپریالیسم آمریکا کار تر رفت و ریگان آمد جابجائی مهره ها و پابرجائی هدفها و روشها

در نظام حکومتی امپریالیسم آمریکا، کسانی جا نه جا میشوند ولی هدفها و روشها همچنان بر جا میمانند.

ساخت سیاسی- اجتماعی آمریکا پدید آمده از یک دگردیسی تاریخی است و همه آنان که براریکه قدرت قرار میگینند، چاره های ندارند مگر آنکه فرمان های این ساخت را به موقع اجراء بگذارند. رمامداران آمریکا در برابر خود فرصت انتخاب ندارند و باید بر همان راهی گام بگذارند که مجموعه نظام در برابرشان گشوده است و گزینش کسان برای نشانیدن براریکه قدرت نیز در پرتو همین شرایط حاکم صورت میپذیرد.

هیچ حزب و هیچ گروه و هیچ فرد سیاسی خارج از این مدار به حکومت نمیرسد و در ساخت سیاسی اجتماعی آمریکا اهرمهای قدرت چنان چیده شده است که هیچ نیروئی نتواند از مدار تعیین گردیده بروی رود.

جا به جائی آدمها و گروهها و حزبها بر ساخت سیاسی- اجتماعی حدشهای وارد نمیکند اما نه اقتضای زمان و مکان، زمامداران می باید نقش های گوناگونی ایفاء کنند و گاه در کسوت نرم دلا و مهرورزان ظاهر میشوند و گاه در جلد دژخیمان و جلادان.

گروههای حاکم گاه حربه برنده خود را در پوشش مخمل می پوشانند و گاه پوشش آن را برمیگیرند و با تیغ برهنه پا به میدان سیاست میگذارند و در هر دو حال در خدمت یک هدف هستند و جوای استوار داشتنی سلطه آمریکا بر ملت های جهان و در پی به یغما بردن هستی کشورها.

ملت های در بند افتاده نباید از جابه جائی کسان در نظام حاکم آمریکا، پدید آمدن دگرگونی در هدفها یا روشها را چشم بدارند باید بی اعتناء به این جا نه جانیها، همچنان در پایگاه مبارزه خود استوار بایستند.

باید پنداشت که فرا رسیدن یک گروه تازه نه معنای پدید آمدن شیوه ای نو یا قدرتی نو در برخورد های سیاسی است. عقیه در صفحه دوم

## حرف زدنها و عمل نکردن ها

### بار دیگر تب «سمینار» ایران را فرا گرفته است!

سند دی وانسه به بیگانه گذشته را نه رسوی کشیده بود دوباره رواج نه و نشانه های آن کم کم از گوشه و کنار خود نمائی میکند

هوس دومین سالگرد پیروزی انقلاب پش سر گذاشته شده است که بیماری های گوناگون، روش های نامردمی، ندانم کاری های که بیکر نظام

دولت مردان در حکومت جمهوری اسلامی در این دوران سر نوشت سار که هستی و بنامت و سعلال کشور مورد بهاجم استعمار گران کهنه و نو و فره بوکن آبه قرار گرفته و از هر نبیه و دوفیه های ساید ععبت کرد که حدی ن کرده فاحشهای پدید آید، نه وقت کشی پرد حه ند

بنداسند که - س - هه از رسن وضعه - - - عهده دارند و ن سارندگی ن ععبت کردن است نه حرف ردن و پ - - - حن نه شوهدهی گذشگی گمراه ره ی نو و روسی - بگر ناید سا همه هدفهای سرگ انقلاب عقیه در صفحه چهارم

## مصاحبه با یک بانوی کرد بارزانی کردها میخواستند تا آخرین قطره خون بجنگند زنان کارهای خانواده را اداره می کنند

هنگامیکه پیشمرگان حزب دموکرات کردستان عراق خود ر آماده حمله به ارتش دولت بزاز گرای نعت در ن سوی مرر سعمار ساحه میگردند و یک گروه پزشکی به سرپرسی همرم دکتر ساوس صحت برای کمک نه آنها به سرزمینهای عرب کشور رفته بود دو س ر دوشیرگان وانسه حزب مت ایران که همرم - س - گره سو - بند در فرصی مناسب نا یک بانوی گرانمایه کرد در - هکده سنوان مصاحبه داشهاند که نه درج آن مبادرت میشود. عقیه در صفحه سوم

## در سایه صفحه ها



ملت گرای  
شعری از ادیب  
برومند شاعر ملی

در جهان ملتها چه  
می گذرد

در حاشیه جنگ ایران  
و عراق

از خبرهای هفته  
از نوشتارهای رسیده



# بر قوه قضائیه کشور چه گذشته است!

حقیقت‌های نهفته در میان  
سندها و گزارشها و  
مصاحبه‌ها

نقل از روزنامه انقلاب اسلامی

سه‌شنبه بیست و سوم دیماه ۱۳۵۹


گزارش مردم به رئیس جمهور

نامه‌ای از زندان قصر

بسمه تعالی

محترماً باستحضار عالی مراتب اینجانب مرتضی کریمی‌زاده اصفهانی و صدراالدین مسگانی که در تاریخ دوم شهریورماه جاری توسط هوشنگ‌اسعد به دفتر گارمان آمد و اظهار نمود که آقای حلحالی سا را حواسته گنیم برای حق و آقای حلحالی مربوط به مخدر میباشد اظهار داشت که در رابطه با کودتا مساعد و راجعاً اینجانبان را به تهران آورد که سرچ آن معصل میباشد (درج در روزنامه کیهان مورخه ۵۹/۶/۸) بمحض رسیدن بدادگاه حلحالی طرف دو دفعه شد که شخصی بنام محمد رضوانی بناکعب وصفت خود را یکتند که هر دو اعدای هستند و اینجانبان را باطای حلحالی برود دم گویی لحظه‌ای صحبت نمود و استجانبان را محدوداً از اطای بیرون آورد و گفت که ایا (حاکم سرخ) حکم اعدام شما را صادر نموده و باید اجرا شود و حی که کلمه صحبت با استجانبان نکرد هر دو نفر بنساز کریمی‌زاده و التماس نمودیم بعد از آنکه حوت سکجه روحی شدیم و کسده‌ای رد که بحال اعمه افنادیم و پس از بهوش آمدن اظهار داشت اگر میخواهی حکم اجرا بشود مبلغ ده‌میلون تومان صدراالدین مسگانی و مبلغ پنج‌میلون تومان مرتضی کریمی‌زاده بدهند تا ما را آزاد نسازد و یک هفته مهلت هم با استجانبان دادند و چون این مبلغ بزرگ بود در قدرت من و نه امکان تهیه آن حتی برای تمام قامل و مسگانیان مقدور نبود چند سب موقع اعدام احقار منکرو و بهودند ممنوع که حکم باید اجرا شود چون پول برسد با التماس رباذ و کریمی‌زاده که صبر کنید تا لاجرم با التماس گله مسگان و حی چند نفر از اعمه خودمان موافق نمودند که دو میلون تومان صدراالدین مسگانی و یک میلون تومان مرتضی کریمی‌زاده بدهیم و ما را آزاد کنند و پس از مدت چند هفته که این مبلغ بزرگ توسط اسخاس منس اصفهان و سرلهای منگونی که در رهی بانک فرض الحسد گذارده شد مبلغ قوی تهیه و شخص محمد رضوانی بحول صدراالدین مسگانی را از ارامستان ولی محدوداً استجانبان را به مارداشگاه فرساده که موضوع درج کردید درج روزنامه انقلاب اسلامی مورخه ۵۹/۶/۸ دو ناخر اصفهانی و سار حدود ۵ ماه هور تک کلمه از اسخاسان سنوالی سده و بلاکلیف در ردن شماره ۳ نسر سرمرزم ار ریاست محترم جمهور اسدعا دارم که دستور رسدگی صادر شود تا بول بد عما رفقه و اعاده حیثت شود

بسمه تعالی  
صدراالدین مسگانی، مرتضی کریمی‌زاده اصفهانی



شماره ۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰  
تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۰  
جمهوری اسلامی ایران

دادسرای انقلاب اسلامی آمل - محمود آباد و نور

معاونت محترم اطلاعات و تحقیقات (نخست‌وزیری)  
بقرار اطلاع واصله اقداماتی انجام گرفته است که آقای محمد رضوانی فرزندان مهدی در شرف خروج از کشور میباشد چون نامبرده از طرف این دادستانی تحت تعقیب میباشد لهذا خواهشمند است دستور فرمایند ضمن خودداری از صدور جواز خروج در صورت مراجعه بآن سازمان باین دادستانی راهنمایی فرمائید.

صدراالدین مسگانی  
مهدی فرزجی آزاد

نقل از روزنامه انقلاب اسلامی

چهارشنبه هفدهم دیماه ۱۳۵۹

## مواد مخدر مکشوفه با حضور حجت‌الاسلام خلخالی سوزانده شد

تهران - خبرنگار انقلاب اسلامی - روز گذشته حجت‌الاسلام خلخالی در ستاد مرکزی فدائیان اسلام حضور یافت و انبار مواد مخدر را با حضور نماینده دادستانی، نماینده نخست‌وزیری باز نموده و محموله‌های مواد مخدر را که شامل ۴۳۵ کیلو هروئین و ۲۷۴۱ کیلو حشیش را در همان محوطه ساختمان به آتش کشیده شد. ضمناً ۲۰۱۱۶ کیلو تریاک و ۲۶۴ کیلو سوخته تحویل نماینده دادستانی گردید در این مراسم که خبرنگاران داخلی و خارجی حضور داشتند حجت‌الاسلام خلخالی رئیس ستاد سابق اداره مبارزه با مواد مخدر به سئوالات خبرنگاران پاسخ داد. حجت‌الاسلام خلخالی در پاسخ این سئوال که آیا خبر دستگیری حاج‌ماشالله قصاب و رضوانی بازپرس سابق دادگاه ویژه مبارزه با مواد مخدر در زندان به اتهام حیف و میل اموال عمومی درست است؟ گفت: حاج‌ماشالله قصاب آزاد است ولی آقای رضوانی فعلاً برای پاسخ به سئوالات دادستانی در زندان بسر میبرد وی سپس افزود من از دادستانی میخواهم از تمام کسانی که در ستاد یا من همکاری داشتند و مورد سوءظن میباشد بازجوئی به عمل آید تا حقیقت آشکار گردد حجت‌الاسلام خلخالی توضیح داد که بعد از استعفاء من قیمت طلا گران گشته اما در عوض قیمت مواد مخدر سقوط کرده است بعنوان مثال میتوان گفت هروئین که در زمان من به کیلویی یک میلیون تومان بالغ میشد ولی امروز میتوان با دو بیست هزار تومان خرید

نقل از روزنامه انقلاب اسلامی

چهارشنبه بیست و چهارم دی ماه ۱۳۵۹

## مبارزه با قاچاق و مواد مخدر، بطور منظم و حساب شده باشد هر چه تمامتر دنبال میشود

مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر و متادان با شدت تمامتر منتهی روی حساب و کتاب و نظم انقلابی، بی‌وقفه بطور شبانه روزی ادامه می‌یابد. در این مبارزه پیگیر کلیه نیروهای مسلح کشورمان در حالت بسیج و فعال هستند. دادگاههای ویژه حجت‌الاسلام خلخالی پس از استغفای وی به دادسرای مبارزه با مواد مخدر تغییر نام یافت و تحت نظارت مستقیم دادستانی کل انقلاب درآمد دادسرای مبارزه با مواد مخدر توسط هیاتی از شورای عالی قضائی و دادستانی کل انقلاب اداره میگردد. مسئولان جدید این دادسرا که از چهارم دیماه جاری کار خود را آغاز کرده‌اند بیش از ظهر دوبرور در یک مصاحبه مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران داخلی در محل رندان قصر شرکت کردند و ضمن تشریح چگونگی عملکرد مسئولان سابق این دادگاه خط مشی جدید مبارزه با مواد مخدر را اعلام داشتند در این مصاحبه گفته شد کلیه تشکلات و برنامه‌های دادگاه ویژه حجت‌الاسلام خلخالی لغو گردیده و مسئولان دست‌اندرکار آن، عده‌ای دستگیر و تعدادی متواری و گروهی نیز در اختیار کارگزینی قرار گرفته‌اند تا پس از رسیدگی و تصفیه نگفته‌ها روشن شود. وگادر جدیدی در امر مبارزه با مواد مخدر این مسئولیت مهم را بعهده گرفته‌اند.

ار اقدامات مثبت و قاطعانه حجت‌الاسلام خلخالی در امر مبارزه با مواد مخدر که بگذریم نواقص و نابسامانیهای عمیقی نیز در خلال کارشان بوده است که عمده‌ترین آن تناقض این اعمال با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، نبودن حساب و کتاب روشن، مشخص نبودن میزان اتوال صادره شده و صدور احکام بی‌حد و حساب همچنین وجود شکجه توسط افراد غیرمسئول که تحت عنوان مسئولان جدید مبارزه با قاچاقچیان و مواد مخدر، بسیج شدند و نام حجت‌الاسلام خلخالی مشغول بکار بوده‌اند را از این جمله میتوان شمرد. حجت‌الاسلام محمدی حاکم شرع جدید یکی از شیعهای دادسرای مبارزه با مواد مخدر که قبلاً در دادستانی کل انقلاب بوده است ابتدا یادآور شد: خبرهایی که از دادگاه ویژه به دادستانی کل انقلاب و شورای عالی قضائی میرسد جمع‌آوری شد و چنین استنتاج گردید که دادگاه ویژه مواد مخدر اگر چه کارهای خوبی هم داشته است اما کارهای خلاف اسلام و ضربه‌هایی هم داشته‌است همچنین وجود این دادگاه مخالف قانون اساسی تشخیص داده شد و قرار شد این دادگاه بخشی از دادستانی کل انقلاب باشد و اداره آن نیز متمرکز در یک فرد باشد تا بطور خودمختاری عمل نگردد.

بسمه تعالی

تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۰ شماره ۱۳۵۹

جمهوری اسلامی ایران

دادگاه ویژه انقلاب اسلامی ایران زندان قصر

نخست‌وزیری  
معاونت محترم اطلاعات و تحقیقات  
تهران

از آنجائیکه یک دستگاه اتومبیل ضد گلوله در اوتل کار دادگاه از طریق آقای صادق طباطبائی از کشور آلمان خریداری شده، لذا برای انتقال آن به ایران آقای محمد رضوانی فرزند مهدی و حسن مهجو و فریروز فرزند علی اکبر را معرفی کرده دستور فرمایند نسبت به صدور و روانه خروج جهت ایشان سرپیم اقدام گردد تا نسبت به تحویل گرفتن و انتقال آن به ایران اقدام نمایند.

سرپرست دادگاه ویژه - صادق خلخالی

۱۳۵۹/۱۰/۱۰

# انحصار گری و اخلاص گری دوروی یک سکه!!

رسمی «شورای انقلاب فرهنگی» کنونی را که در عمل به یهودگی کشانده شده هر چه زودتر اعلام نمایند و جای آن را شرکت دانشگاهیان آگاه، شورای جدیدی را برگزینند که از دانش و شایستگی و کارائی و توانمندی کامل برخوردار باشند و اینشورا، با الهام از جدول ارزشهای انقلابی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بهره‌گیری بی‌غرضانه از نظرها و رهنمودهای همه علاقمندان به فرهنگ و دانش و آموزش و پژوهش، سازندگی خود را آغاز نمایند.

در وهله سوم شورای جدید و کار بدستان دانشگاهی، بازگشائی دانشگاهها را با سیاستی درست به «تدریج» شروع کنند بگونه‌ای که تا پایان سال تحصیلی دانشگاههای ایران در خط پویائی قرار گیرند.

**اعلام انحلال رسمی شورای انقلاب فرهنگی، خواست دانشگاهیان با ایمان و آگاه است**

در وهله چهارم پس از ایجاد آرامش و حرکت در دانشگاهها، آنگاه در رابطه با نیازهای کشور و خواستهای انقلابی، برنامه‌ریزی بازسازیهای «کوتاه مدت» و «بنیادی» را توسط استادان درست اعتقاد در تابستان آینده انجام داد، کاری که کار بدستان کشور در بهترین وضع در تابستان گذشته، قادر به انجامش بودند.

راه درست و عمل سنجیده و خرد گرایانه این است که به جای اغتشاش‌های خیابانی در زمان جنگ و آشفته کردن اوضاع کشور برای سوءاستفاده «ضد انقلاب» با هماهنگی کامل از کار بدستان کشور خواست.

اکنون که یک سال وقت نسل جوان کشور را به تباهی کشیده‌اید. اکنون که یک سال بودجه کشور را در بدترین شرایط اقتصادی به تاراج داده‌اید. اکنون که یک سال نادانی و کار نادانی را بر مرکزهای آموزش عالی کشور مسلط ساخته‌اید، بیایید دست به یک کار شایسته «فرهنگی» بزنید و از دخالت در کاری که نمی‌دانید و توان انجامش را ندارید، هر چه زودتر کنار روید و کار را به اهلس بسپارید.

روشن است که بیش از یکصد هزار دانشجو، در سراسر ایران سرگردان هستند، روشن است که نزدیک، هشتصد هزار دیپلمه آماده ورود به دانشگاه و مدرسه‌های عالی هستند. روش است که دهها هزار، استاد و پژوهشگر و کارمند، بی‌هیچ بازدهی علمی و فرهنگی و اداری، زمان سوزی می‌کنند، روشن است که اکثریت قریب به اتفاق این گروه‌ها هوادار بازگشائی دانشگاهها و مدرسه‌های عالی هستند، اما باید نکته‌های زیر را نیز مورد توجه قرار داد:

- بهر حال دانشگاههای ایران تعطیل شده‌اند.

- این تعطیلی رشته‌ها و پیوندها را از هم گسسته است.

- دانشگاهها، اکنون شرایط، اولین روزهای تعطیل را ندارند.

- بازگشائی دانشگاهها به حرکت دانشگاهی مداوم نخواهد داد.

- بار بودن دانشگاههای بی‌برنامه و بی‌استاد و بی‌خط و ربط کنونی، آشفته‌گی را زیاده‌تر خواهد کرد.

- گروهها و سازمان‌های سیاسی بعلت حرایبکاری‌های کار بدستان «انقلاب فرهنگی» همچون گذشته در تضاد و کشمکش قرار خواهند گرفت.

پس چه باید کرد؟ چگونه باید دانشگاهها را بازگشائی کرد؟

**هم بستن دانشگاه و هم بازگشائی آن حرکتی سیاسی شده است**

در وهله اول باید مرکز دانش و آموزش و پژوهش، بودن دانشگاه مورد اعتقاد همه گروهها و سازمانهای سیاسی قرار گیرد هیچ حزب و کانونی از بودجه ملت و فضای دانشگاه و کلاس‌های درس و دیگر تسهیلات دانشگاهی، حق ندارد سوء استفاده کند و مدرسه را به «سلول حزبی» بدل سازد.

در وهله دوم، بجای لشکر کشی به دانشگاه بنام «بازگشائی» که در روز سه شنبه بیست و سوم دیماه انجام شد، و به علت شرکت توده‌های دانشجویی، التهاب نسل جوان کشور در آن آشکار بود، باید از کار بدستان کشور خواست تا هر چه زودتر انحلال

شورای انقلاب فرهنگی آشکار گردید (بخاراده باطل) و هدف اساسی آنان که بستن تنها پایگاه اندیشه و تبادل آن بود، بمرحله عمل درآمد.

پرسش علاقمندان راستین به «انقلاب فرهنگی» اینست که آن دگرگونی‌های لازم، آیا باید در زمانی انجام گیرد که مرکزهای آموزش عالی کشور بسته باشند؟ یا باز بودن و کمابیش کوشا بودن دانشگاهها و مدرسه‌های عالی، آیا نمیشود دگرگونیهای لازم را بوجود آورد؟ برای ایجاد تحول در یک نهاد اجتماعی، آیا باید همه تحرکها را از آن گرفت و در مرحله «مرگ» قرار داد و آنگاه در اتاقهای در بسته وزارتخانه، بدنبال بحثهای ذهنی رفت که چگونه آن «مرده» را زنده‌تر و توانا تر از گذشته ساخت؟

**انحصار گری «سنگر آزادی» رابه «قلعه خاموشان» بدل کرده است**

اگر چنین است، امام خمینی رهبر انقلاب که بارها بیان کردند، «حوزه‌های علمی و دینی» ما هم از کارائی لازم بدور افتاده‌اند و باید در آنها تحول و دگرگونی ایجاد گردد، پس چرا تاکنون هیچ «حوزه‌ای» را جهت بازسازی و دادن وظیفه‌های سنتی و تاریخی گذشته به آن، تعطیل نکرده‌اند در حالیکه همه میدانند به ابتکار بسیاری از مدرسان و علماء و آیات عظام، برخی از حوزه‌ها در حال نو شدن و فعال تر شدن می‌باشند. این روش درست آیا در دانشگاهها و مدرسه‌های عالی کشور قابل اجرا نبود؟ اگر در خط امام خمینی گام برداشته شود و «تخصص» مورد احترام قرار گیرد و نه چون، کودکان سیدمل و ناآگاه از جهان، عوام فریبانه تخصص در «خط امریکا» قلمداد شود، دارندگان تخصص دانشگاهی و آموزش عالی، اعتقاد دارند که در باز بودن این کانونها دگرگونی آموزشی امکان داشت، و شاید هم تنها راه دگرگون کردن نظام آموزشی زمانی می‌تواند تحقق یابد که نهاد آموزش در حال کوشندگی و پویائی باشد.

شرایط آرزو دانشگاهها و مدرسه‌های عالی نشان میدهد که نه انحصار گران تحمل آنها را داشتند و نه «گروه‌ها» و «سازمان»های سیاسی (دانشجویی و دانشگاهی) موقعیت سالم رشد کردارهای علمی را فراهم ساخته بودند. بدیگر سخن برخی از انحصار گران می‌دانستند که با باز بودن دانشگاه هم می‌توان اندک، اندک نظام آموزشی را در خط انقلاب آورد، اما آنها دگرگونی نظام آموزشی را بهانه کردند برای بستن دانشگاهها و اما مخالفان بستن دانشگاهها که بسیاری از آنها با دگرگونی در نظام آموزشی موافقت دارند، آنان هم به مرور بستن دانشگاهها را بهانه کردند برای کوبیدن انحصار گران.

**آیا برای ایجاد تحول در یک نهاد اجتماعی باید همه تحرکها را از آن گرفت؟**

روشن تر اینکه، هم بستن دانشگاهها امری سیاسی بود و هم تقاضای بازگشائی فوری دانشگاهها امری سیاسی شده است و گوئی هر دو طرف «اصل قضیه» را که باز گرداندن کردارهای بسپارنده دانشگاهی، یعنی دانش و آموزش و پژوهش به دانشگاهها باشد، اگر نه در سوت فراموشی، اما در زمره کردارهای درجه دوم قرار داده‌اند و در نتیجه یک گروه فریاد میکشد: «دانشگاههای امریکائی نابود باید گردد» و خود را هوادار بسته بودن دانشگاهها میدانند و دسته‌های انقلابی دیگر تقاضا میکنند «دانشگاه، این سنگر آزادی، گشوده باید گردد!».

دانشگاهیان و آموزشگران انقلابی ایران، هیچگاه در «غیر اسلامی کردن آموزش عالی» یا جدای نکرده در «آمریکائی کردن دانشگاهها» سخنی بر زبان نیآورده‌اند و برعکس این گروه اجتماعی آگاه، در لزوم دگرگونی و بازسازی نظام دانشگاهی بر بنیاد نیازهای جامعه ایران زودتر از همه فرصت طلبان، آرمانهایی داشته‌اند و هدفی را تعقیب کرده‌اند و هم‌کنون نیز کردارهایی را از خود می‌تواند نشان دهند که هیچ تصادی با «انقلاب در نظام آموزش عالی» نداشته باشد.

بدینال انقلاب اسلامی ملت ایران، برای هیچ نیرو و سازمان سیاسی، تردید وجود نداشت که در همه رکنهای کشوری و نهادهای پیوند یافته با استبداد سلطنتی وابسته به بیگانه، باید دگرگونی‌های ژرف بوجود آید و بر بنیاد نیازهای جامعه در شرایط آزاد و مستقل در همه آنها شکل گیری و کردار بندی جدید تحقق پیدا کند.

**دانشگاهیان بیش از بسیاری از گروهها مزه تلخ اختناق و ضد ارزشها را چشیده‌اند**

دانشگاهیان و آموزشگران انقلابی کشور که بیش از بسیاری از گروههای اجتماعی مزه تلخ اختناق و ضد ارزشهای سلطه‌گرایانه را چشیده بودند، از همان آغاز نوید دگرگونی‌هایی را در همه سازمانهای آموزشی کشور بیکیدیگر میدادند که بی‌شک اگر شرایط سالم و گزینش‌های بدور از غرض‌ورزی و انحصار گری در بهار انقلاب، در سازمانهای آموزشی و دانشگاهی بوجود می‌آمد، در یک سامان‌دهی خرد گرایانه و واقعی، بی‌هیچ آسیب، دامنه انقلاب به این بخش خلاق فرهنگی جامعه نیز کشیده میشد.

با کمال تأسف در دوره دولت موقت از هیچ سو آن کشش لازم جهت بازسازی دانشگاهها و مدرسه‌های عالی مشهود نگردید، یعنی نه کار بدستان کشوری، علاقمندی و کارائی و توانمندی از خود نشان دادند و نه دانشگاهیان و آموزشگران بطور خودجوش و بدور از سیاستگری و دست‌پروری گام‌های سودمندی به پیش نهادند.

بی‌آنکه ارزشهای آزادی و آزاداندیشی حاکم مرکزهای آموزش عالی کشور در ماههای نخستین انقلاب نادیده گرفته شود، باید همه حقیقت را بیان کرد.

**رشد انحصار گری در کشور و قدرت طلبی در دانشگاه نظام آموزشی عالی را به نابودی میکشانند**

راستی در این است، هر چه انحصار گری در کشور رشد و گستردگی پیدا می‌کرد، در درون دانشگاهها و مدرسه‌های عالی «گروه‌ها» و «سازمان‌ها»ی هائی که در بیرون شرایط فعالیت نداشتند، «قدرت طلبی» می‌کردند و هر چه «گروهها» و «سازمان‌ها»های سیاسی چپ یا چپ‌نما، انقلابی یا انقلابی‌نما، در مرکزهای آموزش عالی کشور بیشتر در دام «قدرت طلبی» می‌افتادند در عمل، دانشگاه از کردارهای دانشگاهی (دانش و آموزش و پژوهش) تهی‌تر میشد و بمیدان نوع دیگری از کردارهای اجتماعی (= سیاسی) مبدل می‌گشت و در بیرون این مرکزها هم، دیگ داغ انحصار گری کانون انحصار گران بزرگ جوشان و جوشان‌تر می‌گردید.

در پهنه تضاد و تقابل و موقعیت حذف و محو یکدیگر، بدیهی است آن نی...

برده میشود که قدرت بیشتری داشته باشد، در سمل هم مشاهده شد، انحصار گران حاکم بر کل جامعه با استفاده از شرایط مسلط بر دانشگاهها و مدرسه‌های عالی و بد کرداری برخی «گروه» ها و «سازمان»های سیاسی قدرت طلب، بر راحتی توانستند، نیروی مخالف خود را از صحنه خارج نمایند و ریر عنوان فریبنده «انقلاب فرهنگی» با تعطیل دانشگاهها حاکمیت انحصار گرایانه را گسترده‌تر سازند و «سنگر آزادی» را به قلعه خاموشان بدل نمایند.

کار بدستان کانون سیاسی «فراگیر» حاکم بر کل جامعه، دانشگاهها و مدرسه‌های عالی کشور را بستند به این بهانه که میخواهند در نظام آموزشی کشور دگرگونی «انقلاب فرهنگی» بوجود آورند. مسئله‌ای که طرح گردید یا دقیق‌تر بهانه‌ای که بوسیله آن پیش کشیده شد، سخنی درست بود (= کلمه حق) که البته دانشگاهیان و آموزشگران انقلابی بر جان اعتقاد داشتند، اما بسیار زودتر از آنچه گمان میرفت حواست نادرست گردانندگان

## حرف زدنها و عمل نکردن‌ها

نیرنگ فرهنگ بیگانه بسپارند؟ راستی چه گذشته است که دوباره همان شیوه‌ها، همان نشست و برخاستها، همان حرف زدنها و عمل نکردن‌ها جای سازندگی را گرفته است؟ کدامین بوم شوم سایه خویش را بر همه نهادها، گسترده، چه افسونی شده که راه از بی‌راهه تمیز داده نمیشود؟ سراسری چه شده است که خودمداران میبندارند، مردم به این زودی روشهای نادرست دیوانسالاری دست اندر کاران حکومت‌های گذشته را فراموش کرده و تماشاگر نمایش‌های کهنه‌ای خواهد شد که این روزها دوباره به تماشا گذارده

اسلامی ملت ایران جامه‌ی عمل پوشد و آنگاه در چنین جامعه‌ای که با دستهای پرتوان مردم و با الهام از فرهنگ خودی ساخته میشود، که نسل‌های فردا میتوانند رشد کنند و سرمشق سایر ملتها قرار گرفته و نشان دهند که بریدگی از جدول ارزش‌های بیگانه تنها راه رستگاری ملتهاست.

مگر نه ملت فریاد کشیده‌نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی؟ مگر نه امام خمینی در هر فرصت و هر دیدار بر این شعار پای فشرده و از همه دست اندر کاران خواست تا با جدول ارزش‌های والای اسلامی برای ساختن ایران بسدور از رنگ و

**آرمان‌ملت**  
**ارگان حزب ملت ایران**  
دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی  
زیر نظر شورای نویسندگان  
خیابان سپهدقربنی خیابان سپید شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷  
شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳  
صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

شده است. به حکم مسئولیت و پیمان خونینی که ملت ایران با رهبر انقلاب بسته است، فریاد بر می‌آورد که دست اندر کاران باید شیوه‌های نادرست دیوانسالاری نشأت گرفته از اندیشه‌های بیگانه را به دور افکنده و برای سامان دادن به وضع آشفته کشور با الهام از فرهنگ ایرانی چاره‌جویی کنند. و گرنه برپائی «سمیسمارها» و «گردهم آیی»های آنچنانی، گره گشا نخواهند بود. این روزها در رسانه‌های گروهی، از روزنامه‌ها گرفته تا رادیو و تلویزیون همه حا خسرار تشکیل «سمیسمار»های رنگارنگ است با سحرانی‌های بلند پایگان تازه به دوران رسیده و سراحام صدور قطعنامه‌های چندماده‌ای که بمسائیب و بی‌مناسبت مطالبی در آن گنجانیده شده و بی‌احتیاطی یاد «سمیسمار»های گوناگون در نظام گذشته را در دهن‌ها رنده میکند سانه اقتضای وقت چاکران آسین شاستاب و تسدیر دست سکار سرپائی آنها در گوشه و کنار کشور می‌شدند و گاه برای حالی





از ادیب برومند شاعر ملی

از خبرهای هفته

دو سخنرانی در میدان آزادی

دفتر ریاست جمهوری روز شنبه بیست و هفتم دیماه در اطلاعیه‌های اعلام کرد که رئیس جمهور روز بیست و دوم بهمن در میدان آزادی سخنرانی خواهد کرد. بعد از این اطلاعیه ستادی که بنام «ستاد برگزاری مراسم دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی» تشکیل شده است، ضمن تعیین روزهای هیجدهم تا بیست و چهارم بهمن ماه به عنوان هفته بزرگداشت سالگرد انقلاب، اعلام کرد که:

«روز بیست و دوم بهمن ماه برنامه ویژه‌ای در میدان آزادی با سخنرانی برادر حاجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی همراه با رژه نیروهای رزمنده ارتش، سپاه و بسیج برپا خواهد شد.»

در پایان این اطلاعیه آمده است:

«از کلیه ارگانها و نهادهایی که جهت برگزاری مراسم، برنامه‌هایی را در نظر گرفته‌اند تقاضا میشود برنامه‌های ویژه خود را با این ستاد هماهنگ نمایند.»

آنچه که در این اطلاعیه‌ها مشخص نشده است ساعت سخنرانی رئیس جمهور و رئیس مجلس است و باید دید که دفتر ریاست جمهوری چگونه برنامه سخنرانی رئیس جمهور را با «ستاد برگزاری مراسم دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی.....» هماهنگ خواهد کرد!!!

کارنامه شورای عالی قضائی

روابط عمومی وزارت دادگستری گزارش فعالیت شورای عالی قضائی را از آغاز تأسیس تاکنون انتشار داد.

در این گزارش آمده است، «شورای عالی قضائی به موازات ادامه‌ی کار عادی دادگستری و اصلاحات و جایجائی‌های ممکن، طرح آموزشی و بنادر قضا و کارآموزان قضائی را به اجراء درآورده است. شورای عالی قضائی با تشکیل کمیسیون‌های قانون مدنی، قانون جزا، قانون آئین دادرسی مدنی، آئین دادرسی کیفری و قانون تجارت و همچنین تشکیل شعب دادگاه انقلاب در شهرداری‌ها، زاندارمری، امور صنفی، نیروهای مسلح و نظایر آن به بهبود کیفیت دادرسی و قضاوت پرداخته است.

در بخش اداری دادگستری، با تشکیل هیئت پاکسازی، تصفیه اصولی و حقیقی در این وزارتخانه انجام داده است.»

برنامه‌های تلویزیون خوب و متنوع است!!

صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه‌های دلیل‌های بخش نکردن مذاکرات جلسه‌های علنی مجلس را به شرح زیر برشمرده است:

«الف- تحمل هزینه سنگین در ضبط و پخش جلسات علنی.

ب- نبودن وقت کافی جهت پخش برنامه‌های خوب و متنوع، با وجود طولانی بودن زمان پخش جلسات با در نظر گرفتن حداقل سه ساعت و نیم برای هر جلسه.»

نتیجه: برنامه‌های تلویزیون در حال حاضر که مذاکرات جلسه‌های علنی مجلس پخش نمیشود، خوب و متنوع است و تهیه‌ی این برنامه‌های خوب و متنوع هزینه سنگینی را به این سازمان تحمیل نمی‌کند!!

شورای عالی بازسازی، بجای کمیته پاکسازی

دکتر ناهار، وزیر آموزش و پرورش، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: «لایحه جدیدی نام بازسازی نیروی انسانی تهیه و به تصویب هیئت دولت رسیده است این لایحه شامل کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی میشود که از خصوصیات ویژه‌ای (!!) برخوردار هستند و بدین گونه که در تهیه آن عمل آمده، مشکلات فعلی پاکسازی پیش نخواهد آمد.»

وزیر آموزش و پرورش در این رابطه گفت: «این لایحه از لحاظ حرایم به دو قسمت رمایی تقسیم میشود. یکی قبل از انقلاب، که شامل ساواکی، فرمانسوری و مهری اصلی رژیم، و دیگری بعد از انقلاب که کم کاری، نمرده، غیبت طولانی، سعی در سراندازی حکومت اسلامی، برخورد مسلحانه با انقلاب اسلامی و هم چنین مسائل مالی و فساد را دربر میگیرد و برای هر حرم نیز محارقاتی مناسب در نظر گرفته شده که از یک سو به سادگی با انفصال دائم خدمت دولت را در بر میگیرد.»

وی در مورد مسئولیتهای اجرائی این لایحه گفت «یک هیئت پنج نفری نام شورای عالی بازسازی در هر وزارتخانه تشکیل میشود که عسرتند. یک نماینده شورای عالی قضائی، یک نفر از طرف نخست‌وزیر، نماینده‌ای از سوی مجلس و دو نفر نیز بانتخاب وزیر مربوطه.»

ملت‌گرایی

مس ایرانییم ناشد ایران سرایم  
بوصف سرایم، قصیدت سرایم  
درخشنده فرهنگ ایران زمین را  
ستایشگر قدر و فروبهایم!  
رایران همه شوی، پسانهرقم  
رایران همه شور، سرساییم!  
سوگوئی یکی از غموم حوش او  
که از رحمة اوست دلکش نوایم!  
به میراث پیراراج دانشوران  
چنان بستم‌ام دل که از خود رهایم  
هرهای ریای ایس سرمین را  
سجان دوستدارم، سچشم آشایم  
پرسسم جدا را، ستایم وطن را  
که یردان پرسسم، که ایران ستایم  
به آئین اسلام، دارم عقیدت  
ستایندهی «خواصه انبیایم» (ص)  
به ایمان مسلمان فرخنده کشیم  
نه دوران، وطلحواد سسجیده رایم  
نه مسیب آمیج اسلام درمی  
که از حان هوادار ایس هر دو سایم  
اگرچند «رستم» نژادم به گوهر  
دل آکنده از مهر «شیر خدایم»  
بود گوهرم گرچه سنگین والا  
ربرتر نژادی خدایم خدایم  
بهر قوم عرب بهم مرد ورن را  
نگویم که بمرجم دیگر کویام  
ستیهندام بانداندیش میهن  
قلم درسرانگشت باشد گویام  
چوم روشایم به ملیت خود  
مرا فحرار اسب درهر کحایم  
نیساکنانم آزادگانند وادان  
نشاید که دل بگسلفم از نیایم  
زبیریشه‌گی کی بود بارو برگی؟  
تساور درختم، نه خودرو گویام  
نیم بی‌وطن، نیستم خانه بردوش  
نه چون لاگ پشتیم، که فرخ همایم  
نهم ارج تاریخ این بوم و بررا  
که درروی نهالست راز ببقایم  
نه از دکه‌داران مردم فریبیم  
نه از جو فرشان گندم نمایم  
نه چون کودک مکتبی معرشمه  
نه بیگانه نامکب اسقیایم!  
سحفظ شرف، بهر پاس فصیب  
هممی روی گردان ره‌رناروایم  
نه وابسته بر غرب باشم نه بر شرق  
نه سرمایه دارم، نه نالان گدایم  
به ملیت خویش وابستم من  
ادیب برومند ملت‌گرایم

بهای نفت ایران افزایش یافت

سخنگوی وزارت نفت اعلام کرد قیمت نفت خام ایران از تاریخ یازدهم دیماه جاری افزایش یافته است. قیمت نفت خام سبک ایران از تاریخ یاد شده بالا به سطح سی و هفت دلار و قیمت نفت خام سنگین به سی و شش دلار در هر بشکه رسیده است. محفلهای نفتی لندن اعلام کردند ایران بهای نفت صادراتی خود را اندکی افزایش داده و از بشکهای سی و پنج و سی و هفت صدم دلار به سی و هفت دلار رساند و از اول ژانویه ۱۹۸۱ به اجرا گذاشته است.

در کنفرانس اخیر اوپک تصمیم گرفته شد که کشورهای عضو میتوانند بین سه تا چهار دلار در هر بشکه، قیمت نفت خود را افزایش دهند.

کاحهای قدیم و موزهای جدید

روابط عمومی مجموعه فرهنگی کاحهای سعدآباد و نیاوران و اداری کل موزها اعلام کرد که این کاحها به موزه تبدیل شده و آماده بازدید هستند. این خبر هم چنین حاکی است که بماسبب سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران، برنامه‌های تدارک دیده شده است تا دانش‌آمواران و خانواده‌های شهیدان بتوانند از این موزها دیدن کنند.

نمی در صفحه ششم

از نوشتارهای رسیده

همرمز ابوالقاسم ایرانی از بندربوشهر:

در نوشتار کوتاهی میویسد «آقای محمدحواد حتی کرمانی در صفحه ۷ روزنامه میزان شماره ۸۷ مورخ چهارم دیماه جاری، نامه‌ی سرگشاده به حضور امام رفته بود. بدون اینکه وارد ماحراهای مطالب نامه شوم، فقط و فقط به عنوان یک ایرانی مسلمان حواسم مطمئن را به عرض ایشان برسانم. آقای محمدحواد حتی کرمانی، فرو شب و خیلی دیگران دیگر ما ایرانیان مسلمان که پسند یریب و اسلامیت خودیم این اسب که شمس در ن سسب سو بهیسن ر هم به ران عربی میدیدید. و شاید در پس سسب هم به همان رن سسبید ولا حرم خواهن معیرش به عربی پاره‌ی ر سد ششم نامه شما راجهت روشن شدن مطلب می‌آورم» احاره می‌دهید نگویم در زندان، در عالم رویا، نه رادیو گوش کردم که پیام امام مسی بر پیروزی انقلاب پخش شد ومن سرپا نشاخته حیر پیروزی را نه دوسان دادم. آه چه رویائی بود... کی... سالهای ۶۶ و ۶۷. وجه ریبا بود تعبیر پس رویا در بهمن ۵۷. نگویم که حوات دیدم میکروفون رادیو سن رن رادر دست گرفتم گفتم: اذاعه جمهوریة الاپرانیه... وشما نا آن قامت بلند دشمن شکن نکارم ایستاده بودید. میکروفون را بندسب شما دادم وار حوات برحسم. کی؟ همان سلهها» که لاند اگر از حوات نمی‌پریدید حتما امام هم درعالم رویای شمس پیام مسی بر پیروزی انقلاب را نه ران عربی نه گوش مسب ایران می‌رسانیدند.

و اما ما که امام حمیی را دیده‌ایم ومی‌بیسیم که حسی هنگام ملاقات با شخصیهها و مقامات عرب نه زبان فارسی گفگوه می‌کنند، وسوه توارد حوائی بطیر رویای شما دیده بودیم، میکروفون کدئی را می‌گرفیم ومی‌گفتیم: «اینها ایرن اسب، صدای جمهوری اسلامی ایران»

بله آقای محمد حواد حتی کرمانی عزیز، حوات ورویب همان آروهای برآورده شده واسان شده‌های صمیر ناحود گاه اسان را نا زگو می‌کنند، آروهای بطیر: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی ونه ران ودر مکان ودرحالیکه دوسب داریم این آروهای برآورده شده، بوقوع پیوود.

آقای عباس اسماعیل‌زاده از تهران:

در نوشتاری که «بنام خدا» و با عنوان «دیگران آقای نوربخش کیانند» برای نامه «آرمان ملت» نوشته‌اند آورده‌اند «در نظر داشتیم بنا

بگفته سعدی علیه الرحمه:

زبان بریده به کنجی نشسته صم و بکم  
به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم  
لب بسخن نگشایم ولی از آنجائیکه:

دو چیز طیره عقل است دم فرو بستن  
به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی

بطور قطع مقام معاونت کل وزارت دارائی و امور اقتصادی شخصی میباشند کاملاً مکتبی و انقلابی: غر بزده و شرقرده هم بیستند و از غرب زدگی ایشان نیز اطلاع دقیقی ندارم، البته مرا خواهند بخشید که از تخصص ذکر نکردم، چون بیم آن دارم که از این کلمه رنجیده گردند و ملال خاطرشان فراهم شود، زیرا مکتبی‌ها از کلمه تخصص متفنرنند و از انسانهای دارای تخصص، منتزع.

با توجه به صفات فوق از گفتارشان... متعجب شدم که مقام مزبور با قاطعیت مخصوص خودشان به ملت زجر کشیده و همه چیز ساخته، اندکی تاخته و هشدار داده‌اند که قیمت بنزین دائمی است و پس از جنگ نیز کاهش نخواهد یافت و استدلال نمودند، بنزین به همین قیمت فعلی برای دولت تمام میشود و دولت نمیتواند برای کسانیکه به منظور بالا بردن شخصیت خود سوار اتومبیل شخصی میشوند هزینه بی‌موردی متحمل گردد و حو «دیگران» را به آنها بدهد.  
اکنون عامل شگفتی خود را از بیانات ایشان در زیر ذکر میمایم:

نمی در صفحه هفتم

بویاب صم و نا ایدود فرس درگدش‌عم، بگری باسوی  
گور و سده، برحود، فاطمه امایی نائیبی صدسد  
رحوم معزز سالد، جمعه فقه، بطناع عده  
عمس حب عزو، نه به رده به سفسنه سی، نه رعیت  
۱۶۰۰۰ سده و سده سلته برکرم  
خانواده انامی نائیبی و حادانهای همد د

همرمز ارجمند دکتر محمود امامی

با اندوه بسیار در گذشت مادر گرامتان را تسلیت میگوید.  
دبیر خانه حزب ملت ایران

سرنگون باد حکومت نژادگرایی بعث عراق